

فرهنگ کنایات
در شعر شاعران معاصر

نویسندگان
عاطفه فلاحی
فاطمه عبدالله پور



فلاحتی، عاطفه - ۱۳۶۳

فرهنگ کنایات در شعر شاعران معاصر/گردآورنده: فلاحتی، عاطفه. (۱۳۶۳)،
«کارشناس ارشد ادبیات فارسی»، عبدالله پور، فاطمه. (۱۳۴۶)، «کارشناسی ارشد ادبیات
فارسی» انتشارات علمی یسنا، چاپ ۱۳۹۳، ۱۴۸ ص.

ISBN: 978-600-91464-9-9



فهرست نویسی براساس اطلاعات: فیپا

رده بندی کنگره: ۱۳۹۰ ۸۹۴/ک ۳۳۶۳ PIR

رده بندی دیویی: ۸۱۰/۴۲

شماره کتابشناسی ملی: ۲۳۹۴۳۸۹

افزوده شناسه: فاطمه عبدالله پور

چاپ: اول - ۱۳۹۳

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۱۴۶۴-۹-۹

عنوان: فرهنگ کنایات در شعر شاعران معاصر

نویسندگان: فلاحتی، عاطفه و عبدالله پور، فاطمه

ویراستار: مهندس سیدصمد هاشمی

ناشر: انتشارات علمی یسنا

شمارگان: ۱۰۰۰

تصویرگر: معصومه عبدالله پور (انتشارات علمی یسنا)

چاپ و صحافی: تایماز

قیمت: ۴۰۰۰ تومان

مازندران، قائم شهر، انتشارات علمی یسنا، ۰۹۱۱۱۲۶۰۶۱۱

Email: hashemi.s150@gmail.com

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۴	علم بیان
۵	کنایه و انواع آن
۵	کنایه به اعتبار وسایط و شیاق
۶	کنایه از حیث دلالت مکنی عنه
۷	انواع کنایه به لحاظ انتقال معنی مقصود
	بررسی کنایه‌های امیر هوشنگ ابتهاج
۸	گفتاری بر زندگی و آثار امیر هوشنگ ابتهاج (ه. ا. سایه)
۹	کنایه‌های هوشنگ ابتهاج
	بررسی کنایه‌های پروین اعتصامی
۲۴	گفتاری بر زندگی و آثار پروین اعتصامی

۲۵ کنایه‌های پروین اعتصامی

بررسی کنایه‌های سهراب سپهری

۶۲ گفتاری بر زندگی و آثار سهراب سپهری

۶۵ کنایه‌های سهراب سپهری

بررسی کنایه‌های فروغ فرخ‌زاد

۷۳ گفتاری بر زندگی و آثار فروغ فرخ‌زاد

۷۴ کنایه‌های فروغ فرخ‌زاد

بررسی کنایه‌های نیما یوشیج

۱۲۳ گفتاری بر زندگی و آثار نیما یوشیج

۱۲۵ کنایه‌های نیما یوشیج

۱۳۳ منابع و مآخذ

پیشگفتار

این فرهنگ‌نامه‌ی کنایات اولین اثر تخصصی در زمینه‌ی کنایه‌های موجود در شعر شاعران معاصر است. ما بر آن بوده‌ایم تا شمه‌ای از کنایه‌های مورد استفاده در شعرهای شاعران معاصر را برای ره‌پویان شعر و ادب فارسی روشن سازیم، تا هر چه بیشتر با افکار و اندیشه‌ها و روحیات آنان مانوس گردند. مسلم است، هر گام در این راه به عنای زمینه‌های علمی و فراهم شدن بستر مناسب تحقیق و پژوهش درباره‌ی زبان پارسی می‌انجامد و موجب پاسداری از آن، این رکن رکن وحدت و عزت قومی ایران‌بان می‌شود.

قابل توجه است که اقیانوس بی‌کران زبان فارسی که در آن مرجان‌های نهفته‌ی بسیار دارد، مجال بسط و گسترش مباحث موضوعی وسیع است و در این وادی باید تحقیق و بررسی بسیار کرد تا بتوان بر همه‌ی ظرفیت‌های شناخته و ناشناخته‌ی این دیرینه‌ی زبان زنده و پویا احاطه یافت.

کنایه‌ها، جزئی از عناصر زبانی هستند که ذخیره‌ای متنوع و رنگارنگ را، هم در گفتار اهل زبان جلوه‌گر می‌سازند و هم کاربرد آن در بسیاری از انواع ادبی و خلاقیت‌های هنری مشهود و ملحوظ است. آشکار است که پیش از این تلاش‌های درخوری برای معرفی این عنصر زبانی صورت گرفته بود، که هر کدام واجد ارزش‌هایی خاص و جزء منابع مورد استفاده در این اثر می‌باشند. اما لزوم تدوین فرهنگی کاملاً معاصر و به روز در این زمینه، انگیزه‌ی پدید آمدن این فرهنگ گشته است.

با این حال هیچ نمی‌توان دعوی بی‌کم و کاست بودن آن را از حیث تألیف و نشر داشت و این اثر مانند همه‌ی آثار دیگر مورد واریسی و بازنگری و ویرایش ادواری قرار خواهد گرفت.

این فرهنگ‌نامه زیر نظر اساتید ارجمند جناب آقای دکتر هوشمند اسفندیارپور و آقای دکتر ابراهیم ابراهیمی‌تبار به سرانجام رسیده است. از تمامی عزیزان و بزرگوارانی که در این راه حمایت خویش را از ما دریغ ننموده‌اند، بی‌نهایت سپاسگزاریم.

فلاحتی - عبدا...پور

www.ketab.ir

مقدمه

خداوند را شاکریم که به ما توفیق داده تا به بررسی شعر شاعران برجسته‌ی زمان معاصر پردازیم.

شعر معاصر حاصل بصیرت کسی است که از یک طرف معرفت فراگیری نسبت به هستی‌دورانش داشته باشد و از طرف دیگر با موفقیت اجتماعی دوران خویش درگیر باشد، سوم این که این موفقیت و آن معرفت سنتز خود را با فردیت شاعر باز یابد و به صورت یک بصیرت در آید، اینجاست که هر چه از جهان و جامعه می‌گیرد، همه جزئی از وجودش می‌شود و امکان سرایش را پدید می‌آورد.^۱

شعر کلاسیک ایران در زمینه‌ی تجسس شکل و هنر بدیعی نیز عنعنات^۲ شایان اهمیت فراوانی دارد که در پیدایش شعر نوین فارسی و پیشرفت و انکشاف آن، به صورت استادانه‌ای از آن‌ها استفاده می‌شود. لیکن و با این همه شعر نوین ایران از تمام سنن و عنعنات ادبیات کلاسیک استفاده نمی‌کند و نباید بکند. عنعنات کهنه و پوسیده‌ی فراوانی که مانع انکشاف و شگفتی ادب ایرانی هستند وجود دارد که دست کشیدن از آن‌ها و بهره‌گیری از عنعنات متریقی به روش خلاقه‌ای در روزگار ما اساس تجدید و تجدد شعر فارسی را تشکیل می‌دهد.

در ادبیات کلاسیک ایران همیشه در کنار شعر اشرافی و درباری، شعر شکوفان و متریقی ویژه‌ی مردم نیز وجود داشته است. منتها نسبت این دو میل مخالف در ادوار مختلف یکسان نبوده است و نیز این دو اختلاف و تضاد نه تنها

۱- قزوینچاهی، نیما و شعر امروز، ص ۱۰

۲- روایتی که از چند کس به طور متوالی ذکر شده باشد.

در ادبیات یک عهد و زمان بلکه در آثار شاعران کلاسیک مختلف و متعدد نیز نمایان است. امیدوارم که این تلاش هرچند اندک، بتواند تا حدودی افکار و اندیشه‌های این شاعران برجسته را برای علاقمندان به شعر معاصر آشکار سازد.^۱

«فسانه گشت و کهن شد حدیث اسکندر سخن نو آر که نو را حلاوتیست دیگر»

شعر نشانه یک زندگی عالی و خیلی بشری است ولی در نظر داشته باشیم که وزن و قافیه فقط نماینده این فضیلت نیست. به نظر نیما، ادبیات ما باید از هر حیث عوض شود. موضوع تازه کافی نیست و نه این کافی است که مضمونی را بسط داده و به طرز تازه بیان کنیم. نه این کافی است که با پس و پیش کردن قافیه و افزایش و کاهش مصراع‌ها یا وسایل دیگر دست به فرم تازه زده باشیم. عمده اینست که طرز کار عوض شود و مدل وصفی و روایی که در دنیا با شعور آدم‌هاست به شعر بدهیم.^۲ شعر وزن و قافیه نیست، بلکه وزن و قافیه هم از ابزار کار یک شاعر هستند. همچنین شعر ساختن مصطلحات و فهرست کلی دادن از مطالب معلوم که بر سر زبان‌ها افتاده است، نیست. این جور کار به دفتر حساب-بندی یک تجارت خانه می‌خورد.

شعر واسطه‌ی تشریح و تأثیر دادن و بزرگ و کوچک کردن معنویات و شکافتن و نمودن درونی‌های دقیق و نهفته آنهاست. شعر زمان معاصر حاصل دسترنج نیما یوشیج پدر شعر نو فارسی می‌باشد. به نظر نیما ساختن شعر نو آسان نیست و بردباری و کار مستمر و تدریجی و آزمایش‌های سخت می‌طلبد.

بنیانگذار شعر نو منکر ارزش سنت هنری نیست، اما: اشعار کلاسیک در ژانر خود زیبا هستند اما ما از زیبایی دیگری صحبت می‌کنیم...

^۱ - از نیما تا روزگار ما، ص ۵۷۷

^۲ - حرف همسایه، ص ۱۲۸

اگر به حال طبیعی زمزمه داشته باشید، حتماً شعر شما طبیعی می‌شود چون در این حال با احساسات و حالات انسان برداشت می‌شود.

کوشش نیما در اساس و بنیان تازه دادن به شعر فارسی دو هدف عمده دارد. جدا کردن آن از موسیقی و نزدیک ساختن آن به نثر. اما جدایی شعر از موسیقی به معنای حذف نظم و وزن نیست: (چیزی که نظم ندارد وجود ندارد ... هر شکل محصول بلاانفکاک وزنی است که در کار بوده است^۱). اما درباره ی قافیه نیما معتقد است: شعر بی قافیه، آدم بی استخوان است... قافیه‌بندی آن طور که من می‌دانم (زنک مطلب) آن را اسم می‌گذارم، بسیار بسیار مشکل است و بسیار بسیار لطیف و ذوق می‌خواهد. قافیه غلام شاعر است نه شاعر غلام قافیه، و من قافیه را برده ی خویش ساختم.

نیما معتقد است که شعر امروز باید در خور دکلامه شدن باشد، به قول شاملو در سخنرانی دانشکده ادبیات تبریز: امروز نقاش و شاعر با دیگر مردم - که نه نقاشند و نه شاعر - دانه‌های یک تسیخند. امروز دیگر هنرمند تماشاچی یک میدان سیرک نیست، او دیگر بر سکوه‌های گردن میدان به تماشای نبرد برندگان ننشسته است. بلکه خود در پهنه میدان قرار دارد.

«امروز شعر حربه خلق است ...

بیگانه نیست شاعر امروز

با دردهای مشترک خلق

او با لبان مردم لبخند می‌زند

درد و امید مردم را

با استخوان خویش پیوند می‌زند».

^۱ - یادداشت ها و مجموعه اندیشه، ص ۱۳۸